

The mercy of the Prophet In the economic field from the point of view of narratives

رحمت للعالمین بودن پیامبر در عرصہ اقتصادی از دیدگاه راویات

***Ilyas Hussain**

M.Phil Scholar, Institute of Islamic Studies,

Shah Abdul Latif University, Khairpur

Email: ih.mudarris110@gmail.com

چکیده

رحمت للعالمین بودن پیامبرگرامی (ص) در در میدان اقتصادی از دیدگاه احادیث به عنوان یک ویژگی خاص برای ایشان است. رفتار و گفتار آنحضرت در ابعاد مختلف آموزنده، قابل فهم و همت جدی است این ویژگی محتاج به وضاحت و تبیین بیشتری است که تا به حال به آن بحث نشده است، از این لحاظ در این نوشتار، مباحثی مرتبط با اقتصاد، به منظور توضیح این ویژگی، به احادیث مراجعه شده است. و در این تحقیق این بحث را در چهار بخش بیان کردیم بخش اول درباره مفاهیم بحث و بخش دوم درباره تجلی رحمت للعالمین بودن در سیرہ اقتصادی پیامبر با مردم از دیدگاه روایات و بخش سوم در مورد اصل خیر خواهی و رحمت و نفی غش در سیرہ پیامبر از دیدگاه روایات و بخش چهارم راهکارها رحمت للعالمین برای عبور از وضعیت اقتصادی از دیدگاه روایات و در آخر بحث نتیجه کل بحث را مطرح کردیم. بنابراین پیامبر (ص) برای همه انسانها در همه زمانها و مکانها

تا پایان جهان، رحمت است؛ زیرا آنچه را موجب سعادت ابدی مردم است، برای آنها آورده است.

کلید واژه: رحمت، پیامبر، العالمین، اقتصاد، روایات

مقدمه

یکی از بارزترین امتیازهای جوامع داشتن اقتصادی سالم و وجود مجریان فعال، متعهد و کاردان در عرصه های اقتصادی است. انسان در زندگی مادی از مواهب طبیعی و روزی و اقتصاد و معیشت بی نیاز نیست و در این اصل کلی تفاوتی میان انسان های عادی و مادی و انسان های متعالی و معنوی به چشم نمی خورد. اما آنچه منشأ تفاوت در اخلاق اقتصادی، میان انسان ها می شود نوع رفتار آنان در کسب روزی و معیشت و درآمد و نیز چگونگی بهره مندی و مصرف است. پیامبران الهی نیز برای ایجاد قسط و عدالت در سطح وسیع آن در میان اقشار مختلف جامعه و تامین نیازهای مادی مردم و آبادانی و آسایش آنان به وسیله توزیع عادلانه امکانات، سرمایه ها، ایجاد زمینه های مناسب، اطلاع رسانی همگانی و بالاخره ترویج احسان، رحمت نیکوکاری و خدمت رسانی کوشیده اند تا مردم را به سوی سعادت و نیک بختی سوق دهند. این تلاشها که در جهت تحقق بخشیدن به مقاصد الهی و اهداف آسمانی ادیان توحیدی و پیامبران و فرستادگان از سوی خداوند متعال انجام می گیرد، به منظور فراهم نمودن زمینه های عبودیت و قرب الهی برای عموم انسانهای سعادت طلب و حقیقت خواه می باشد

در اخلاق اقتصادی پیامبر اکرم (ص) اصولی به چشم می خورد که برای هر مسلمان طالب رفتار درست اقتصادی، درس آموز و دارای قابلیت پیروی کردن است

الف : مفاهیم

۱. رحمت

أَنْ الرَّحْمَهُ مِنْ اللَّهِ إِنْْعَامٌ وَإِفْضَالٌ ، وَمِنْ الْآدَمِيِّينَ رَقَةٌ وَتَعَطُّفٌ

حمت در انسان به معنای دل نازک بودن است که در احسان و محبت به دیگران تجلی پیدا می کند و در خداوند متعال به معنای روزی دادن و احسان به بندگان و عفو و بخشش از گناهان آنان می باشد¹

۲. رحمت للعالمین بودن

خداوند متعال سوره انبیاء به رحمت عامه وجود پیامبر (صلی الله علیه وآله) اشاره کرده می فرماید: وَمَا أَرْسَلْنَاكَ

إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (انبیاء ۱۰۷) (ما تو را جز برای رحمت هانیان نفرستادیم) عموم مردم دنیا، اعم از مؤمن و کافر همه، مرهون رحمت تو هستند؛ چرا که نشر آئینی را بر عهده گرفته ای که سبب نجات همگان است، حال، اگر گروهی از آن استفاده کردند و گروهی نکردند این مربوط به خودشان است و تأثیری بر عمومی بودن رحمت نمی گذارد².

۳. اقتصاد

اقتصاد، مجموعه بزرگی از فعالیت های به هم پیوسته تولیدی و مصرفی دانسته شده که به تعیین چگونگی تخصیص منابع کمیاب کمک می رسانند³

ب: تجلی رحمت للعالمین بودن در سیره اقتصادی پیامبر با مردم از دیدگاه روایات

۱- قرض الحسنہ

لفظ قرض الحسنہ از دو بخش مرکب شده است

۱- قرض: در معنی قطع کردن است و مالی را کہ به دیگری داده می شود به شرط پس دادن عین یا بدل آن قرض می خوانند گویا قرض دهنده، آن مال را از بقیہ احوالش قطع کرده است^۴

۲- الحسنہ : لفظ حسن از دیدگاه قرآن صفت قرض قرار گرفته است؛ حسن یعنی نیکو و زیبا و قرض زیبا آن است کہ از مال پاکیزه باشد و آن را با منت گذاردن ضایع نکند^۵

تعریف اصطلاحی: قرض الحسنہ در اصطلاحی عامی مردم به وام گرفتن مشهور است و برای آن نباید حق زحمت پرداخت کنند و آن را از مصادیق دینی می دانند. در اصطلاح علماء و فقهاء قرض این جوری تعریف شده است کہ مالی به دیگری داده شود به طوری کہ او نیز ضامن پس دادن عین یا مثل یا قیمت آن چیز گردد^۶.

۱.۱ قرض الحسنہ در احادیث:

وام دادن از فوائد فضل است و ثواب آن بی نہایت شمرده شده است. حضرت امام محمد باقر علیہ السلام فرمود: هر کہ به مردی قرض دهد تا زمانی کہ قدرت بر اداء آن داشته باشد، مال او در زکوٰۃ است و خود او با ملائکہ در نماز است تا آن را بگیرد. و در حدیثی دیگر از امام صادق علیہ السلام مروی است کہ بر در بهشت چنین نوشته شده است: (ثواب صدقه را ده مقابل می دهند و ثواب قرض را هیجده مقابل)^۷. در حدیثی دیگر فرموده است: (هر مؤمنی کہ به هر مؤمنی از برای خدا قرض دهد در هر آنی ثواب صدقه را دارد تا مال به او برسد.) سر مطلب در این است کہ در هر آنی می تواند آن را مطالبه کند و چون

مطالبہ نکند ثواب صدقہ دارد. البتہ مراد از قرضی کہ ثواب آن رسیدہ است، قرض الحسنہ ای است کہ از برای خدا باشد اما قرضی کہ بہ واسطہ آن نفع دنیوی بہ صاحب مال می رسد و غرض او نفع بردن است، ثوابی ندارد⁸

۱۰۲ فضیلت قرض دادن:

وام و قرض دادن از سنت های حسنہ پیامبر اسلام است آن حضرت در روایات متعددی امت مسلمہ را بہ این امر پسندیدہ دعوت کردہ آن را صدقہ و بلکہ بہتر از صدقہ فرمودہ است جایی فرمودند: «شبی کہ مرا بہ آسمان بردند، دیدم کہ بر در بہشت نوشتہ است، ثواب صدقہ دہ برابر است و ثواب قرض دادن، ہجده برابر. بہ جبرئیل گفتم: چرا قرض برتر از صدقہ است؟ گفت: چون نیازمند گاہ دارد و باز دست نیاز می کند؛ اما خواہان قرض، تقاضای کمک نمی کند مگر از روی نیاز.⁹ پیامبر گرامی (ص) وام دادن را از جملہ حقوق ہمساہان بر یکدیگر شمرده و کسانی را کہ با وجود امکانات مالی از قرض دادن بہ نیازمندان خودداری می کنند، مورد عقاب قرار دادہ، می فرمایند: «کسی کہ برادر دینی اش جہت قرض بہ او مراجعہ کند و او قادر بر این کار باشد؛ اما این کار را نکند، خداوند بوی بہشت را بر او حرام می کند.¹⁰

۰۲ انفاق

انفاق بہ دو مفہوم استفادہ قرار گرفتہ است، در یک مفہوم، بریدن از شیء و قطع از آن دلالت دارد و در مفہوم دیگر، چشم پوشی از چیزی، حکایت دارد¹¹

دادن مال بہ دیگران، از ویژگیہای بسیارمورد ستائش است کہ در تمام ادیان الہی و مکاتب اخلاقی، پسندیدہ قرار گرفتہ و از آن با تجلیل فراوان، یاد شدہ است. این صفت پسندیدہ بیان گر حس ہمدردی با مظلومان و محرومان جامعہ بودہ، بیانگر از احساس مسئولیتی است

که انسان در مقابل خدا و مردم، دارد و یک نوع شکرگزاری از عنایت‌های الهی است که وی را از الطاف‌های خود، برخوردار کرده است بخشش و انفاق علاوه بر اینکه فضیلتی اخلاقی، محسوب می‌شود باعث تعادل اجتماع و پرکردن شکاف طبقاتی نیز هست.

۲۰۱ جود و بخشش پیامبر

رسول خدا (ص) به عنوان سخی‌ترین افراد بشر، الگوی بی‌بدیل، در جود بخشش در راه خدا بود. ایشان، ست‌گشاده‌ترین و بخشنده‌ترین مردم، بودند¹²

شبی نبود که چیزی نزد او بماند و اگر اشیاء زیاد می‌آمد و تا شب فردی را نمی‌یافت که به او بدهد، به خانه بر نمی‌گشت تا آن را به حقداران برساند از آنچه خداوند کریم مقدر کرده بود، بیشتر از آذوقه همان سال برای خود نمی‌گذاشت آن هم از چیزی که برای عمومی مردم میسر می‌یافت از خرما و جو و بقیه را در راه خدا خرچ می‌کرد، هر چه از او می‌خواستند عطا می‌کرد آنگاه دنبال خرج سال خود می‌رفت و از آن هم ایثار می‌کرد بسا اوقات قبل از سپری شدن سال، اگر چیزی به دستش نمی‌رسید، خود، محتاج به آذوقه می‌شد¹³.

هر شخصی که با او همراهی می‌کرد، تمام خواسته‌هایش برآورده می‌شد و خواهش نداشت مگر اینکه انجام می‌شد. انفاقی که پایانی نبود، چه کافر و چه مسلمان، همه از مرحمت‌هایش بهره‌مند بودند حماد بن سلمه از انس بن مالک (خادم حضرت) نقل کرد که مردی از حضرت گوسفندانش را طلب کرد، حضرت هم، همه آن‌ها را به او بخشید، پس او میان قومش رفت و گفت: ای مردم اسلام بیاورید، بخدا که ﷺ (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، عطا می‌کند به حدی که از فقر نمی‌ترسد¹⁴.

۳- وقف

این وقف کاری است که مصداق روشنی است از تعاون و انفاقی و خالی از منت گزاری است و همین طور دور از اذیت و تحقیر شخصیت دیگران و تصدقی است دائمی و ماندنی و خالی از هر نوعی ریا و قرضی است خالی از اضطراب باز پرداخت و تعدیل در مال و ثروت است با رغبت و رضایت که از طریق آن با جمع مال و ظهور اختلافات طبقاتی فاحش به نحو معقولی مقابله می شود.

تمامی اصول و قواعد مالی و اجتماعی اسلام بیان گر این حقیقت است که اهل ایمان موظف هستند که از هر لحاظ یکدیگر را حفظ و حراست کنند و نیازهای هم را اعم از عاطفی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و... برطرف سازند. در اسلام منابع مالی متعددی معین شده است تا زندگی مناسبی برای جامعه اسلامی و همه کسانی فراهم شود که در حد رفاه لازم نیستند از جمله خمس، زکات، صدقات، وقف، هبه و... وقف یا حبس، بعنوان یکی از این منابع از مستحبات اسلام است و آن قرار دادن منفعت یک ملک برای اشخاص معین یا عموم در مدت معین یا برای همیشه است.

وقف در لغت به معنای (ایستاندن ملک یا منافع آن برای گروه یا هدفی خاص است).¹⁵

۳-۱ پیامبر(ص) و تشویق اصحاب به وقف

پیامبر گرامی(ص) دروقف بیشتر از همه خود پیشقدم بودند- و امت مسلمه را هم به این کار خیر امر می کردند، این تشویق و امر تاحدی بود که از جابر بن عبدالله انصاری منقول شده است که از همراهان رسول الله(ص) اصحابی نبود که توان مالی داشته باشد و چیزی را در راه خدا وقف نکند.

از پیامبر گرامی حضرت ﷺ (ص) نقل شده که می‌فرمودند: اِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَمَلُهُ اِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ: صدقه جاریه او علم ینتفع به او ولد صالح یدعو له.

هر گاه انسان بمیرد رشته عمل او در دنیا قطع می‌شود؛ مگر از سه چیز: صدقه جاریه (وقف) یا عملی که از آن سود برده شود و یا فرزند صالحی که برای او دعا کند¹⁶

در صحیح بخاری از انس بن مالک روایت شده است که ابوطلحه توانگرترین انصار بود و از همه اموال خود باغ بیرحاء را که سمت قبله مسجد نبوی قرار داشت، بیشتر دوست می‌داشت. پیغمبر (ص) گاه داخل این باغ می‌شد و از آب گوارای چاه آن می‌نوشید. انس بن مالک - خادم حضرت- می‌گوید: «وقتی آیه 92 آل عمران نازل شد: لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ و مَا تَنفَقُوا مِنْ شَيْءٍ فَانْ شَاءَ اللَّهُ بِهِ عَلِيمٌ

شما هرگز بمقام نیکوکاران و درجات عالیّه بهشت نخواهید رسید؛ مگر آنکه از آنچه دوست می‌دارید در راه خدا انفاق کنید که همانا خدا بر آنچه انفاق می‌کنید، آگاهست.

ابوطلحه برخاست و گفت: یا رسول الله (ص) محبوبترین اموال من «بیرحاء» است و آن را در راه خدا صدقه می‌دهم و امیدوارم ثواب آن ذخیره آخرتم باشد آن را در هر مصرفی که خدا تو را بدان راه نماید قرار ده. پیامبر (ص) فرمودند: آنچه گفתי شنیدم؛ چه مال سودمندی؛ نظر من آن است که آن را وقف نزدیکان خود قرار دهی. ابوطلحه گفت: یا رسول الله (ص) همین کار را می‌کنم پس آن را میان پسر عموها و نزدیکان خود تقسیم کرد¹⁷

۴- اشتغال زائی

۴-۱ اہمیت کار

در روش و سیرہ رسول خدا حضرت ﷺ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فعالیت های و کارهای اقتصادی مردم، ارزش بالایی دارد. آن حضرت صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم کارگران و تولیدکنندگان در میدان اقتصادی را جوری تشویق می کردند که در طول تاریخ بشری، هیچ مسلک و مذهب چینی جایگاهی برای اساسی ترین رکن جوامع بشری، یعنی تأمین کنندگان حیاتی ترین کالای اقتصادی، قائل نشده اند.

از انس بن مالک منقول است که هنگامی که رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم از جنگ تبوک برمی گشت، سعد انصاری (یکی از کارگران مدینه) به استقبال آن رسول خدا آمد. هنگامی که پیامبر گرامی صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم با او دست داد، لمس دست های زبر و خشن مرد انصاری، حضرت خاتم الانبیاء صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم را تحت تأثیر قرار داد. برای همین، از او پرسید: چرا دست های تو این چنین کوفته و خشن می باشد؟ آیا ناراحتی خاصی به دستان تو رسیده است؟ عرضه داشت: یا رسول اللہ! این خشونت و زبری دستان من، بر اثر کار با بیل و طناب است که به وسیله ی آن ها زحمت می کشم و مخارج خود و خانواده ام را تأمین می نمایم.

(فَقَبَّلَ يَدَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَقَالَ: هَذِهِ يَدٌ لَا تَمْسُهَا النَّارُ؛ پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم دست او را بوسیده و فرمود: این دستی است که آتش (جهنم) آن را لمس نخواهد کرد.)¹⁸

۴-۲ اقدامات پیامبر در جهت اشتغال

رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم علاوه بر این که مردم را تشویق به اشتغال به کار و کسب می کردند امکانات و

چیز های لازم آن را تا جایی که ممکن بود، برای این کار فراهم می‌کرد.

رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای این که فقر را در مدینه از بین ببرند و اشتغال برای مهاجر و انصار، ایجاد کنند میان آنها مسابقات و مزارعه قرارداد می‌بست. تا مهاجران بدون زمین به کار گماشته شده و بازدهی زمین‌های انصار نیز بالاتر رود. همچنین لغو انحصار تجارت توسط پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) منجر شد، کشاورزان و پیشه‌وران در فعالیت‌های اقتصادی شرکت کرده و با عقد قرارداد مضاربه و تهیه سرمایه به تجارت بپردازند¹⁹

واگذاری املاک آباد و بایر به مردم به منظور آباد نگه داشتن یا آباد کردن، از دیگر اقدامات پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود. این املاک که تحت شرایط خاص واگذار می‌شد، اقطاع نام داشت.

به موجب این عمل فعالیت‌های اقتصادی از جمله ساخت واحد مسکونی، بازار و احیا اراضی موات رونق یافت و تعداد زیادی از مردم مدینه به کار مشغول شدند.²⁰

از دیگر اقدامات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در راه اشتغال زایی ایجاد بازار بود. از آنجا که کنترل بازارهای مدینه در دست یهود بود، ایشان بازار دیگری برای مسلمانان در نظر گرفته و در مسجدالنبی مکانی تعیین کرد و اعلام نمود مالیاتی از آن گرفته نخواهد شد²¹

۵- ترویج ساده زیستی

ساده زیستی یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های وجود بزرگوار و مبارک رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود. در حدیث آمده

است کہ پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله وسلم هرگز از نان گندم سیر نشد. چون با بردگان غذا می خورد و مثل آنها بر روی خاک می نشست و غذا می خورد و از همه گونه غذا تناول می کرد.

زیراندازش حصیر بود و بالشی از چرم داشت که درونش را از لیف خرما انباشته بودند. غالب قوتش نان جو و خرما بود. گاه بر مرکب بی زین سوار می شد و جامه و کفش خود را با دست خود وصله کاری می نمود و با دست خود شیر می دوشید و گندم را دست آس (آرد) می کرد.

یکی از جملاتی که در وصف پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) گفته اند:

(كَانَ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) خَفِيفُ الْمُؤْنَةِ)²² یعنی در زندگی ساده زیستی را انتخاب کرده بود. در خوراک، پوشاک، در مسکن، معاشرت، روشش سادگی بود. این سیره روشن زندگی حضرت راهی برای ترویج این فرهنگ و در نهایت سعادت مندی جامعه است.

ج: اصل خیر خواهی و رحمت و نفی غش در سیره پیامبر از دیدگاه روایات

۱. ممنوعیت فروش کالای تقلبی

در دین مبین اسلام یکی از شاخص ترین احکام و اخلاق اقتصادی اصل اخوت و بردری دینی است و از نمودهای مهم و عملی آن، نصیحت و خیرخواهی است. امام صادق (ع) می فرماید:

يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ النَّصِيحَةُ لَهُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغْيِبِ: خیرخواهی برای مؤمن در بود و نبودش، ضروری است²³

فریب و تقلب در فروش اشیاء از روشن و واضح ترین مصادیق فریب در معامله است. این کار به صورتهای مختلف انجام می‌گیرد مثل فروش جنس نامرغوب در مقابل جنس خوب معامله اشیاء غیرمرغوب، آمیختن اجناس به اشیاء دیگر و استفاده از نشانه‌های دروغین. روشن است که این کار، خلاف مصالح عمومی و به زیان مصرف‌کنندگان است و در تضاد با ارزش‌های انسانی و اخلاقی می‌باشد -

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به مردی رسید که طعمی مرغوب را با نامرغوب درآمیخته بود. حضرت به او فرمود: چرا چنین کردی؟ گفت: خواستم (همه آن) به فروش رسد. حضرت فرمود: آنها را از یکدیگر جدا کن که در دین ما غشی نیست²⁴ از این روایت، لزوم نابود ساختن پول و کالای تقلبی و بی‌مصرف استفاده می‌شود.

منقول شده که وَ مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا فِي شَرَاءٍ أَوْ بَيْعٍ فَلَيْسَ مِنَّا وَ يَحْشُرُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ مَعَ الْيَهُودِ لِأَنَّهُمْ أَغَشُّ الْخَلْقِ لِمُسْلِمِينَ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود کسی که با مسلمانی در خرید و فروش گول زند از ما نیست و روز قیامت با طایفه یهود محشور می‌شود زیرا کسیکه با مردم غش می‌کند مسلمان نیست و سه مرتبه فرمود کسیکه با ما غش کند از ما نیست و کسیکه با برادر مسلمانش غش کند خداوند برکت را از روزیش برمی‌دارد و معیشت و زندگیش را خراب فرموده و بخودش واگذارش می‌فرماید²⁵

۲. نفی تبلیغات دروغین

در زمان حال تبلیغات در حقیقت یک قاعده و اصل در خرید و فروش است و می‌گویند تبلیغات خرچ کردن و زیان نیست بلکه سود گرفتن است. و بسا تبلیغ به خاطر معرفی جنس برای آگاه ساختن مردم از فواید و کاربردهای آن است که امری پسندیده است چون هر روز جنس و اشیاء جدید در بازار وارد می‌شود که مفیدتر و ارزان‌تر از اشیاء

دیروز است. پس لازم است تا این‌گونه کالاها با تبلیغ، برای استفاده و رفاه مرم معرفی شود؛ اما گاه تبلیغ، مدح و ستایش و گاه دیگر به معنای غلو درباره کالا و مدح و ستایشی است که کالا دارای آن نیست. در مورد اخیر باید گفت که چنین تبلیغی دروغ است و باید از آن پرهیز شود

شکی نیست که تبلیغات تجارتی، با هدف آگاهی‌های اجناس به خریداران و شناخت اوصاف و امتیازهای آن ضرورتی است که در عصر حاضر یکی از عناصر مهم پیشرفت اقتصادی به شمار می‌رود. در آموزه‌های اقتصادی اسلام به این مهم توجه شده است؛ برای نمونه، رسول خدا (ص) به مردی بلندقامت که ایستاده بود و جامه‌ای کوتاه می‌فروخت، فرمود: (إِجْلِسْ فَإِنَّهُ أَتَفَقَّ لِسِلْعَتِكَ: بنشین تا کالایت بهتر به فروش رسد). گویا قامت بلند او اندازه جامه را برای خریداران، کوتاه‌تر از اندازه واقعی آن می‌نمایاند و نشستن مرد، خود تبلیغی عملی برای معرفی کالای او بوده است»²⁶

با این هم تبلیغات و آگاهی‌تجارتی مردم از حکمت وجودی این فاصله گرفته است و کارکرد اصلی آن به جای شناخت اجناس به (ایجاد احساس نیاز) تبدیل گشته، و تجارت تبلیغات جای تبلیغات تجاری را گرفته است و شرکت‌های بزرگ هزینه‌های زیادی را به این امر اختصاص داده‌اند تا با تأثیر بر افکار عمومی و با استفاده از پیشرفته‌ترین شگردهای تبلیغاتی، تولیدهای خود را بفروشند و اعتبار بیشتری به دست آورند. بدیهی است که پیامد این گونه تبلیغات برای افراد و جوامع ثروتمند، رشد مصرف‌گرایی، اسراف، مُدگرایی و هم‌چشمی و نیز برای افراد و جوامع فقیر، حسرت، سرخوردگی، ناکامی و یا مفاسد اقتصادی و کارهای غیرقانونی همچون سرقت و... است -

در تعلیمات اسلامی، برای مبارزه با تبلیغات کذب، بعض قواعد و احکام و دستورهای اخلاقی داده شده است.

۱. یکی از اوصاف مهم تاجر مسلمانان است که راستگو باشد امام صادق (ع) می فرماید: فَإِنَّ التَّاجِرَ الصُّدُوقُ مَعَ السَّقَرَةِ الْكَزَامِ الْبَرْزَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: به راستی که تاجر راستگو، روز قیامت، با سفیران گرامی نیکوکار (فرشتگان والامقام) همراه هستند»²⁷.

۲. و نکته دوم این است که در باره عیوب اجناس مشتری آگاه بسازید در باره این نکته تأکید فراوانی شده است برای نمونه امام صادق (ع) می فرماید: «مَنْ بَاعَ وَاشْتَرَى فَلْيَحْفِظْ خُمْسَ خِصَالٍ وَ إِلَّا فَلَا يَشْتَرِيَنَّ وَلَا يَبِيعَنَّ.. وَ كِتْمَانِ الْعَيْبِ: هر کس خرید و فروش می کند، باید پنج خصلت را حفظ نماید وگرنه هرگز خرید و فروش نکند... (و یکی از آنها عبارت است از: پرهیز از پنهان کردن عیب»²⁸

۳. نکته سومی که درباره این بیان شده این است که منع از تبانی برای تبلیغات دروغین در روایات، با نام نَجَش یاد شده است و مفهوم آن این است که فردی، بدون آنکه خرید اجناس را قصد داشته باشد، پیوسته از آن تعریف کند یا وانمود نماید به قیمت بالایی خریدار است تا دیگران را در خرید کالا فریب دهد رسول خدا ﷺ می فرماید: النَّاجِشُ وَ الْمَنْجُوشُ مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ مُحَمَّدٍ: تمجیدکننده اجناس و آن کس که به نفع او تمجید شده است، بر زبان محمد نفرین شده اند²⁹

۳. اصل احسان

دین مبین اسلام هم به جسم و روح انسان وهم ابعاد وجودی و حیات فردی و اجتماعی انسان توجه دارد، و از طرف دیگر به این نکته تأکید شده است که عدل و احسان در میان مردم اجرا کنند و حضور آنها در جامعه نظر می

کند و در نتیجه ما را به این مهم هدایت می نماید که اختلاف افراد در تواناییها و موهبتها، به هیچ وجه توجیه گر تمایز معیشتی و پذیرفتن فاصله طبقاتی نیست؛ چرا که این فاصله ها اعضای بدنة امت اسلامی را از یک دیگر جدا می کند، و برادری اسلامی را پایمال می سازد، و چهره زیبای اسلام و اخلاقیات آرمانی آن را زشت می نمایاند. برخی از مصادیق احسان در آموزه های اخلاقی و اقتصادی عبارتند از:

۳۰۱. پرهیز از سودخواهی در مواردی خاص

فرد تاجر واسطه ای است تا اجناس به صورت ارزان در اختیار مشتری قرار گیرد. تاجر کمک می کند تا تولیدکننده با آسوده حال تولید کند و خدمات تاجر آن را به دست مشتری برساند. مشتری هم با آسوده حال از تاجر می خرد و می داند که او عدالت را در کالا و قیمت مراعات کرده است. چنین تاجر محبوب خدا است اما تاجری که در مقام واسطه گری و خدمات رسانی احتکار می کند یا بیش از اندازه بر مزد خدمات و یا سود خود می افزاید که حتی از درآمدهای تولیدکننده بیشتر است بدون آنکه هزینه آنچنانی را متحمل شده باشد، چنین کسی از دایره عدالت و انصاف بیرون بوده و از مصادیق ظلم کنندگان شمرده می شود. از حضرت پیامبر (ص) روایت شده است که فرمود: «کسی که خرید و فروش می کند، روزی خود را به دست می آورد و کسی که اجناس (مورد نیاز مردم) را برای گران شدن نگه می دارد ملعون است»³⁰

گرچه جلب منافع مادی و کسب سود از اهداف مهم تجارت است و گاهی بر اساس اصل احسان، سودخواهی از خریدار، مکروه و ناپسند شمرده می شود مثلاً بر اساس روایات، سود بردن از مؤمن، مکروه است، جز در موردی که خریدار مؤمن برای تجارت خرید کند یا آنکه مقدار خریدش زیاد باشد.

رسول خدا (ص) می فرماید: مَنْ جَمَعَ طَعَامًا يَتَرَبُّصُ بِهِ الْغَلَاءَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَقَدْ بَرِيَءَ مِنْ اللَّهِ وَ بَرِءَ اللَّهُ مِنْهُ

هرکس طعامی را به امید بالا رفتن قیمت چهل روز احتکار کند، پس به تحقیق از خدا جدا شده و خدا هم از او بیزاری می جوید.³¹

این سخنان از رسول خدا (ص) اعتقاد اسلام را درباره ی شرایط مطلوب بازار و مذمت کم فروشی و گران فروشی نشان می دهد.

۳-۲ آسان گیری و گذشت در معامله

یک نکته مهم در اخلاق تجارت تاجر با انصاف این است که برخورد او با مشتری محبت آمیز باشد که تجارت تاجر را برجسته می کند که از یک طرف باعث محکم شدن پیوندهای عاطفی میان تاجر و مشتریان می شود و از طرف دیگر باعث می شود که مشتریان بیشتر به سوی او جذب شوند و تجارت او با گذر زمان پربرکت و پر رونق می شوند چون آسانی پیدا کردن در تجارت باعث سعادت دنیاوی و معنوی هم می شود و از سخت گیری و بد اخلاقی نسبت به یکدیگر پرهیز کرد چون برکت در این گونه رفتار است. چنان که پیامبر گرامی به روایت امام صادق علیه السلام می فرماید: بَارَكَ اللَّهُ عَلَى سَهْلِ الْبَيْعِ، سَهْلِ الشَّرَاءِ، سَهْلِ الْقَضَاءِ، سَهْلِ الْإِقْتِضَاءِ: خداوند برکت دهد کسی را که در فروش، خرید، پرداخت و دریافت آسان گیر باشد.³² آن حضرت در سخنی دیگر تصریح فرموده اند که سهولت در معامله، خود عامل کسب سود بیشتر است: (السَّهْلَةُ مِنَ الرِّبَاحِ: سهل گیری از عوامل افزایش سود است).³³

۴- اصل امانت بودن اموال

اسلام درباره اموال و امکانات که در دست انسان قرار داده شده می فرماید که امانتی است در دست انسان

تا اینکه از این اموال احتیاج های خود را تأمین کند و در راه عبادت و تکامل معنوی خود را بپیماید. بنا بر این اصل و قانون انسان امانت‌دار از جانب خداون متعال است و هر نوع تصرف در ثروت و اموال باید در چارچوب اصول و قواعد پروردگار باشد. از اصول و قواعد که بر همین دستور استوارند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۴۰۱ اصلاح سرمایه

از دیدگاه دین مبین اسلام و از اصول و قواعد مهم اقتصادی اسلام لازم است که حفاظت و اصلاح و استفاده صحیح از ثروتهای مادی به نفع فرد و جوامع بشری است. بنابر این قانون شیوه‌ها و مصادیق مختلفی دارد که در قواعد دینی به آن اشاره شده است؛ از جمله:

۴۰۱۰۱ سرمایه‌گذاری در معاملات نفع بخش

یکی از موارد اصلاح تجارتی این است که انسان در تجارت خود معاملات سودآور را انتخاب کنند در این باره حدیثی از امام صادق علیه السلام منقول شده که: «مردی از شغل خود شکوه می‌کرد. پیامبر(ص) به او فرمود أَنْظِرْ بُيُوعاً فَأَشْتِرْهَا، ثُمَّ بَعْهَا فَمَا رَبِیْخَتْ فِیْهِ قَالِزْمَةُ³⁴ چند اجناس را در نظر بگیر و بخر. سپس آن را بفروش. در هر کدام که سودی بردی همان را ادامه بده.

در اسلام منفعت آوری فقط در محدوده اصول و قواعد دینی مورد قبول است و چنانچه تجارت هم در این محدوده زمانی بیشتر منفعت بخش است که اجناس تجاری، بیشتر نیاز مردم باشد یا تاجران کمتر به آن تجارت کرده باشند و در هر جوری که باشد به منفعت اقتصاد اجتماع و در رفاه مردم به کار بسته شود. یک نکته مهمی که باید توجه بیشتری قرار بگیرد این مسئله است که در تجارت خارجی اهمیت بیشتری دهد، چراکه سرمایه‌گذاری در تجارت

اجناس منفعت آور گیر از اینکه کمک به رشد اقتصاد ملی صرفه جویی و حفاظت از منابع طبیعی و تجدیدنپذیر کشور را در پی دارد حرص و آرزومندی سیری ناپذیر، از ارکان اخلاق لیبرال سرمایه داری است، و این صورت چنان گلو گیر آنان می گردد که هر چه به منفعت و سرمایه و گستره ثروت خویش بیشتر کنند، سیر نمی شوند، و به دنبال بیشتر و بیشترها می روند. این روند بگونه ای وحشتناک دنبال می شود، و در نقطه ای باز نمی ایستد و احساس بی نیازی پیش نمی آید. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم): فرمود یا ابن مسعود! اجسادهم لاتشبع، و قلوبهم لا تخشع ای ابن مسعود! بدن ها (شکم ها) شان سیر نمی شود، و دل هاشان خشوع پیدا نمی کند.³⁵

در این سخن نبوی به تاثیر متقابل جسم و جان، در حالت مال اندوزی اشاره شده و آمده است که سیری ناپذیری فزونخواهانه مال پرستان، با فقدان خشوع و خضوع قلب و روح (تفرعن و گردنفرازی) همراه است. و اصولاً این حالت در مسائل مادی هست که اگر انسان با احساس بسندگی با آنها روبرو گشت، و به بهره برداری به اندازه لازم و مفید دست یازید، پس از برخورداری از زیستی معقول و بسنده و مرفه، احساس بی نیازی می کند، و از زیاده خواهی های باز دارنده، روی بر می تابد و گرنه هیچگاه احساس بی نیازی نمی کند.

۴-۱-۲ تقسیم سرمایه

یکی از روش برای حفظ و اصلاح سرمایه های که در احادیث نقل شده است این است که تاجر سرمایه اصلی خود را در فعالیت های مختلف اقتصادی تقسیم کنند است، علی الخصوص در مواردی که مقدار سرمایه بیشتر باشد، چون در صورت که در یک پروژه سرمایه گذاری شده نقصان شود نقصان کمتری دیده می شود. در احادیث ایجوری نقل شده

است که «مردی، خیرخواه نزد امام صادق (ع) آمد و گفت: ای ابا عبدالله! چگونه شد که اموال خود را در بخش‌های گوناگون سرمایه‌گذاری کردی، درحالی که اگر تمام آن یک جا می‌بود، هزینه‌اش کمتر و سودش بیشتر بود. امام (ع) فرمود: **إِتَّخَذْتُهَا مُتَفَرِّقَةً فَإِنْ أَصَابَ هَذَا الْمَالُ شَيْءٌ سَلِمَ هَذَا الْمَالُ، وَ الصَّرْفُ تَجْمَعُ بِهِذَا كُلُّهُ**: آن را جداگانه قرار دادم تا اگر به این بخش از مال آسیبی رسید، بخش دیگر سالم بماند»³⁶ می‌شود

د: راهکارهای رحمت للعالمین برای عبور از وضعیت اقتصادی از دیدگاه روایات

۱. جلوگیری از گرانی

یکی از اصلی‌ترین سبب گرانی، بودن دلال‌های نامناسب و مؤثرترین سبب که در جلوگیری از تورم، حذف واسطه‌های نامناسب است.

رسول گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این‌باره فرمود: (به استقبال کالا نروید تا وارد بازار شود)³⁷

همچنین می‌فرمود: (نباید فروشنده شهری، میانجی کالای روستایی شود)³⁸

سود این عمل آن است که اولاً: با کم‌شدن دلال‌های نامناسب، از گرانی قیمت‌ها جلوگیری می‌شود.

ثانیاً: مالک اجناس به خاطر آگاه نبودن از قیمت آن در بازار، مورد فریب واسطه‌ها قرار می‌گیرد -

ثالثاً: آمدن گروه‌های تجاری در شهر، کالا در بازار عرضه شده و در اختیار همه مردم قرار می‌گیرد، نه یک گروه خاص در بیرون از بازار.

راہکار دوم : یک راہ دیگر جلوگیری از گرانی منع کردن از احتکار است. رسول گرامی حضرت ﷺ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم در این بارہ فرمود: «هرکس خواربار را چهل روز احتکار کند، بی گمان از خدا بیزاری جسته است و خداوند نیز از او بیزار است»³⁹

راہکار سوم: تعیین ناظر بر بازار است. آن حضرت، سعید بن عاص را بر بازار مکہ و عمر را بر بازار مدینہ به نظارت گمارد⁴⁰

۲. حل مشکل بیکاری و تشویق کار

پیامبر اعظم حضرت ﷺ (صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم) فقط مسئولیت پیام رسانی الہی و عبادت داشت بلکہ به تجارت و فعالیتہای دیگر مثل کشاورزی نیز توجہ داشت و مردم را ہم به این کار تشویق می کرد. چنانچہ حضرت در این بارہ چنین فرمود: (خداوند، انسان سالم بیکار را- کہ نہ به کار دنیا و نہ به امر آخرت می پردازد- دشمن می دارد)⁴¹

یک مورد دیگر چنین منقول شدہ است کہ مردی نزد آن حضرت رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آمد و کمک خواست. پیامبر خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود: «ہر کہ از ما کمک بخواہد، او را یاری می دہیم و اگر بی نیازی بوزد، خداوند، او را بی نیاز سازد.» این فرد، سہ بار نزد پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آمد و ہر بار، ہمین سخن را شنید. سرانجام با اطمینان و اعتماد بہ نفس گفت: (بر خدا تکیہ می کنم) و با این نیت، تیشہ ای بہ امانت گرفت، بہ جانب صحرا رفت، مقداری ہیزم گرد آورد و فروخت. چند روز بعد توانست ابزار کاری فراہم سازد و باز بہ ہمین روش بہ پیش رفت تا سرمایہ دار شد.⁴²

۳. ترغیب ارزان فروشی

پیامبر گرامی حجت ﷺ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بہ کسی کہ کالای کمتر از قیمت معمولی می فروخت، فرمود: (در بازار

مسلمانان، ارزان تر می فروشی و برای ثواب، این کار را می کنی؟) پاسخ داد: «آری» رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم نیز به او خوش خبری داد: هر که تلاش کند و بازار را رواج دهد، مانند کسی است که در راه خدا پیکار کرده است.⁴³

۴. تعیین محل خاص برای بازار

رسول گرامی صلی الله علیه و آله وسلم به این نکته که برای بازار محل خاصی باید داشته باشد نیز توجه داشت. یک روز مردی نزد پیامر اعظم آمد و گفت: (محل را برای بازار در نظر گرفتیم، ملاحظه نمی فرمایید؟) حضرت بلند شد و همراه او رفت تا به آنجا رسید، پسندید و فرمود: اینجا بازارگاه خوبی است، زیان ندارد و خراج هم بر شما بسته نمی شود.⁴⁴

نتیجه گیری

پیامبران الهی نیز برای ایجاد قسط و عدالت در سطح وسیع آن در میان اقشار مختلف جامعه و تامین نیازهای مادی مردم و آبادانی و آسایش آنان به وسیله توزیع عادلانه امکانات، سرمایه ها، ایجاد زمینه های مناسب، اطلاع رسانی همگانی و بالاخره ترویج احسان، رحمت نیکوکاری و خدمت رسانی کوشیده اند تا مردم را به سوی سعادت و نیک بختی سوق دهند خداوند عالم حضرت رسول اکرم (ص) را به عنوان الگویی نیکو معرفی می کند. رفتار و گفتار آن حضرت در ابعاد گوناگون آموزنده، قابل فهم و همت تازه است. سیره اقتصادی پیامبر اعظم (ص)، آن دسته از گفتار و کردار آن حضرت، و یا تآییدات ایشان بر گفتار و کردار دیگران است که ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم مرتبط با موضوعات اقتصادی دارد چون اهمیت به کار و تلاش، پایبندی به قرارداد، قرض الحسنه، انفاق، ترغیب به کار، اشتغال زایی، مبارزه با اشرافی گری و

امتیازخواہی ، سنت وقف و ترویج سادہ زیستی آن حضرت
بہ اختصار بیان شدہ است۔

1. حسین بن محمد، راغب اصفہانی، المفردات فی غریب القرآن، واژه «رحم»، ج ۱، ص ۱۹۱
2. <https://makarem.ir/main.aspx?lid>
3. <http://www.syazdian.blogfa.com>
4. عبدالله، جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۱، ص ۵۸۳
5. فضل بن حسن، طبرسی؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۶۰۸.
6. روح الله، خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۴۹.
7. محسن، فیض کاشانی، ترجمہ الشریعہ، ج ۱ ص ۵۹.
8. ملا احمد، نراقی، معراج السعاده، ج ۱، ص ۳۴۸.
9. محمد بن علی، شیخ صدوق، ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۲۸۸.
10. حسن بن فضل، طبرسی، مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۳۱.
11. محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۳۵۸
12. محمد بن اسماعیل، بخاری، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۸
13. احمد بن علی، مقریزی، امتاع الاسماع، ج ۲، ص ۱۸۷
14. مسلم بن حجاج، نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۰۶
15. محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۳۵۹
16. حسن، دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۴
17. محمد بن اسماعیل، بخاری؛ صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۰۰
18. ابو الحسن علی بن ابی الکرم، ابن اثیر، اسد الغابہ، ج ۲، ص ۱۶۹
19. نرگس، ملک، مدیریت اقتصادی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در فقر زدایی جامعه ی مدینه، مجموعه مقالات همایش بین المللی سیره شناختی پیامبر اعظم (ص) (۲۸ و ۲۹ آذر ۱۳۸۵)، به اهتمام اصغر منتظر القائم، ج ۲، ص ۱۱۴، اصفهان، انتشارات اصفهان
20. همان
21. محمد بن یزید، قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۷۵۱

22. حسن ، دیلمی ، ارشاد القلوب، ج ۱ ، ص ۱۱۵
23. ابوجعفر محمد بن یعقوب ، کلینی، الکافی ، ج ۲ ص ۲۰۸
24. حسان الدین بن قاضی ، مثقی الہندی، کنز الاعمال ، ج ۲ ، ص ۱۵۹
25. السيد تقي، الطباطبائي القمي، عمده الطالب في التعليق على المكاسب ج ۱ ، ص ۳۳۸
26. ابوجعفر محمد بن یعقوب ، کلینی، الکافی ، ج ۵ ، ص ۳۱۲
27. محمد بن حسن ، حرّ عاملی، وسائل شیعہ ، ج ۱۲ ص ۲۸۵
28. ابوجعفر محمد بن یعقوب ، کلینی، الکافی ، ج ۵ ، ص ۱۵۰
29. همان ج ۵ ص ۵۵۹.
30. ابوجعفر محمد بن یعقوب ، کلینی، الکافی ، ج ۵ ، ص ۱۶۵،
- ح ۶
31. محمدباقر، مجلسی ، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام ، ج ۵۹ ، ص ۲۹۲
32. الشيخ أبو جعفر، الحر العاملي، وسائل الشيعة، ج ۱۲ ص ۳۳۲
33. ابوجعفر محمد بن یعقوب ، کلینی، الکافی ، ج ۱۰ ، ص ۲۰
34. محمدباقر ، المجلسي ، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول ، ج ۱۹ ص ۱۵۹
35. محمدباقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۷ ، ص ۹۹.
36. الشيخ أبو جعفر، الحر العاملي، وسائل الشيعة ، ج ۱۲ ، ص ۴۴
37. زكريا بن محمد، انصاري، فتح الوهاب، ج ۱، ص ۲۸۵
38. تقي الدين ، مقریزی، امتاع الاسماع ، ج ۱۴ ، ص ۳۸۸
39. ابو احمد بن محمد ، ابن حنبل، مسند احمد، ج ۸ ، ص ۴۸۱
40. ابو الفرج نورالدين ، حلبی ، السيرة الحلبية، ج ۳ ، ص ۴۵۹

- ⁴¹۔ عبدالحمید، ابن ابی الحدید، شرح نہج البلاغہ، ج ۱۷، ص ۱۴۶
- ⁴²۔ علی، ابن بابویہ، فقہ الرضا، الموتر، ج ۱، ص ۳۶۵
- ⁴³۔ جلال الدین، سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۶۳۹۰
- ⁴⁴۔ سلیمان بن احمد بن ایوب، طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۹، ص ۲۶۴

منابع

1. اصفہانی حسین بن محمد، راغب ، المفردات فی غریب القرآن، دمشق۔ الناشر: دار القلم، الدار الشامیة - دمشق بیروت، ط الأولى ، 1412 هـ
2. <https://makarem.ir/main.aspx?lid>
3. <http://www.syazdian.blogfa.co>
4. جوادی آملی ، عبدالله ، تسنیم ، قم ، نشر اسراء ، چ اول، ۱۳۸۵
5. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهرآن، ناصر خسرو، ۱۳۷۲
6. خمینی (ره)، روح الله ، تحریر الوسیله، بی جا ، مؤسسه تنظیم ونشر آثار الإمام الخمینی قدس سره، ط اولی، ۱۴۳۴ ق
7. کاشانی، محسن ، فیض ترجمه الشریعه، قم ، توحید، ۱۳۸۹ ق
8. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، قم ، انتشارات قائم آل محمد (ع) ، ، چاپ پنجم، ۱۳۸۶
9. شیخ صدوق ، محمد بن علی ، ثواب الاعمال، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۴۴ ق.
10. طبرسی، حسن بن فضل ، مکارم الاخلاق، قم ، جامعہ مدرسین، ۱۴۰۴ هـ
11. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴
12. بخاری، محمد بن اسماعیل ، صحیح، تحقیق عبدالعزیز عبدالله بن بساز، بیروت، دارالفکر، ط الأولى، 1422 هـ
13. مقریزی، احمد بن علی ، امتاع الاسماع ، بیروت، دارالکتب العلمیہ، چاپ اول، ۱۹۹۹
14. نیشابوری، مسلم بن حجاج ، صحیح مسلم، بیروت، دار احیاء التراث عربی، بی تا
15. دیلمی، حسن ، ارشاد القلوب، قم ، انتشارات رضی، چ اول، ۱۴۱۲
16. قزوینی، محمد بن یزید ، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالفکر، بی تا

17. متقی الہندی، حسان الدین بن قاضی ، کنز الاعمال ،
مؤسسہ رسالہ، بی جا ، ۱۴۰۹ ق
18. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب ، الکافی ، قم
دارالثقلین ، ۱۳۶۹
19. حرّ عاملی ، محمد بن حسن ، وسائل شیعہ، بیروت ، ط اسلامیة
، ۱۴۰۳ق
20. مجلسی ، محمدباقر ، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار
الأئمة الأطهار ، بیروت، ط دارالاحیاء التراث، ۱۴۰۳
21. المجلسي، محمد باقر ، مرآة العقول في شرح أخبار آل
الرسول، تہران، دارالکتب السلامیہ، بی تا
22. انصاری، زکریا بن محمد، فتح الوہاب، بی جا، دارالفکر، ط
۱۴۱۴
23. ابن حنبل، ابو احمد بن محمد ، مسند احمد، بی جا،
مؤسسۃ الرسالۃ ، چ اول، ۱۴۲۱ھ
24. حلبی ، ابو الفرج نورالدین، السیرۃ الحلبیۃ، بیروت،
دار الکتب العلمیۃ، چ ثانی، 1427ھ
25. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نہج البلاغہ، قم،
ناشر مکتب آیت اللہ مرعشی ، بی تا
26. ابن بابویہ ، علی، فقہ الرضا، المؤتمر العالمی
للامام الرضا ، مشهد المقدسہ ، ۱۴۰۶ق
27. سیوطی، جلال الدین ، الجامع الصغير، بیروت،
دارالفکر ، چ اولی، ۱۴۲۳ھ
28. طبرانی، سلیمان بن احمد بن ایوب ، المعجم
الكبير،، الرياض، دارالصمیمی ، ۱۴۱۵ق